



درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نوره مفیدی

تاریخ: ۱۶ آبان ۱۳۹۱
مصادف با: ۲۱ ذی الحجه ۱۴۳۳
جلسه: ۹

موضوع کلی: توثیقات خاصه و عامه
موضوع جزئی: راه‌های توثیق عام- اصحاب اجماع
سال: سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

عرض کردیم در مورد تعبیر اجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم چند احتمال وجود دارد، یعنی مفاد این عبارت محتمل است که چند معنی داشته باشد و این خیلی مهم است که مفاد این عبارت روشن شود چون آثاری هم در پی پذیرش هر یک از این احتمالات مترتب می‌شود؛ مثلاً اینکه آیا این جماعت از هر کسی که نقل کنند او هم ثقه است یا فقط خودشان ثقه‌اند؟ آیا به دلالت مطابقی از این عبارت ثقه بودن این جماعت استفاده می‌شود یا به دلالت التزامی؟ به هر حال نتیجه این احتمالات بر اساس آنچه که ما گفتیم تارة وثاقت خود این جماعت است و اخری وثاقت خودشان و کسانی که به عنوان مشایخ آنها حساب می‌شوند تا معصوم (ع) یا اساساً وثاقت خود این اشخاص یا مشایخشان ثابت نمی‌شود و فقط صحت و جواز عمل به این روایاتی که نقل می‌کنند ثابت می‌شود لذا این مسئله مهمی است. عرض کردیم در مورد این عبارت چهار احتمال وجود دارد، تفاوت‌های احتمالات چهارگانه را هم عرض کردیم، احتمال اول و ادله آن هم بیان شد، احتمال اول این بود که مراد از تصحیح ما یصح عنهم تصدیق روایت و حکایت آنهاست نه مروی و خود حدیث یعنی آنها در روایت و حکایتشان تصدیق شوند که نتیجه این احتمال این بود که به دلالت التزامی وثاقت این گروه ثابت می‌شود لکن دلالت مطابقی این احتمال وثاقت این جماعت نیست، دلیل و مؤید این احتمال را هم عرض کردیم.

احتمال دوم:

اینکه مراد از ما یصح عنهم این است که نفس مروی و حدیثی که آنها نقل کرده‌اند تصحیح شود، اجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم یعنی تصحیح ما روی و حکمی هؤلاء، یعنی آنچه که این گروه روایت کنند و حکایت آنها از حدیث مورد تصدیق است یعنی در واقع خود حدیث مورد تصدیق قرار می‌گیرد. طبق این احتمال در واقع با این اجماع از طرف اصحاب نسبت به تصدیق حدیث و مروی آنها اطمینان به صدور روایات پیدا می‌شود یعنی می‌توان گفت روایت و حدیث از امام معصوم (ع) صادر شده به عبارت دیگر اجماع بر تصدیق راوی نسبت به آنچه که با واسطه نقل کرده است؛ مثلاً ابن ابی عمیر از ابن اذینه و او از امام (ع) روایت کرده، طبق این احتمال وقتی ابن ابی عمیر از اصحاب اجماع می‌شود معنایش این است که روایتی را که ابن ابی عمیر نقل کرده از معصوم (ع) صادر شده و جایز است عمل به این حدیث، حال اگر ما این احتمال را پذیرفتیم نتیجه آن چیست؟ آیا وثاقت اصحاب اجماع و مشایخ آنها با این احتمال ثابت می‌شود یا نه؟

عرض کردیم این احتمال نه وثاقت خود ابن ابی عمیر و امثال او را ثابت می‌کند و نه وثاقت مشایخشان را، اگر این چنین است پس چگونه می‌گویید جایز است عمل به روایت و حدیثی که این جماعت نقل کرده‌اند؟ علت پذیرش روایت این جماعت طبق این احتمال این است که بر اساس این احتمال اگر راوی نسبت به آنچه که با واسطه نقل کرده تصدیق می‌شود قرائتی وجود دارد که دال بر صدق خود حدیث است اعم از قرائن داخلی یا قرائن خارجی، قرائن داخلی مثل وثاقت خود راوی و قرائن خارجی مثل موافقت با نص کتاب یا سنت متواتر یا اجماع اصحاب یعنی اگر مضمون روایتی با نص کتاب موافق باشد این یک قرینه خارجی بر صدق روایت است یا اگر روایتی منطبق با سنت متواتره باشد یعنی مضمون روایت با یک روایت متواتر دیگر موافق باشد موجب علم به صدق این روایت می‌شود و یا مثلاً اگر مضمون یک روایت با اجماع محصل و قطعی اصحاب موافق باشد موجب اطمینان و علم به صدق روایت می‌شود پس اگر روایتی محفوظ به قرائن داخلی یا خارجی باشد موجب علم به صدق روایت می‌شود، پس طبق احتمال دوم اصحاب اجماع یعنی همان هجده نفری که کشی ذکر کرده کسانی هستند که اجماع شده بر اینکه آنها را در روایاتی که نقل می‌کنند باید تصدیق کرد و منشأ این امر که نسبت به مروی تصدیق شوند یا قرائن داخلی است و یا قرائن خارجی که اگر به این سبب اصحاب اجماع یعنی روایات ابن ابی عمیر، محمد بن مسلم، زرارة بن اعین، یونس بن عبد الرحمن و... روایاتی را نقل کنند عمل به آن روایات صحیح است ولی طبق این بیان اصحاب اجماع مورد توثیق قرار نگرفته‌اند گرچه روایتی که نقل می‌کنند صحیح است که به آن عمل شود ولی طبق این احتمال اجمعت العصابة توثیق عام محسوب نمی‌شود چون آنها به عنوان قرائن داخلی‌ای که به نظرشان می‌آمد مثل وثاقت راوی یا حتی به واسطه قرائن خارجی ولو اینکه راوی ضعیف باشد و واسطه آنها تا امام معصوم (ع) ضعیف باشد اما به صدور خبر اطمینان کرده‌اند و وقتی نقل می‌کنند معنایش این است که ما هم باید آنها را تصدیق کنیم، پس طبق این احتمال اجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم، اصحاب اجماع را توثیق نمی‌کند گرچه صحت عمل به روایت آنها را دلالت می‌کند.

بررسی احتمال دوم:

ما چه این احتمال را بپذیریم و چه نپذیریم هیچ ثمره رجالی بر آن مترتب نمی‌شود و خود به خود از دایره بحث ما خارج می‌شود چون بحث ما طرق توثیق عام است ولی بعید به نظر می‌رسد که این احتمال مورد نظر باشد چون به طور کلی اینکه ما بتوانیم علم پیدا کنیم به واسطه قرائن که این روایات از امام معصوم (ع) صادر شده چون اصحاب اجماع آن را نقل کرده‌اند عادتاً مشکل است، چون بدون قرینه اطمینان به صدور این روایت پیدا نمی‌شود و اگر قرینه‌ای هم باشد آن قرائن، قرائتی نیستند که به واسطه آنها ما علم به صدور روایات پیدا کنیم و اصلاً امکان احصاء قرائن خارجی که موجب علم به صدور روایت می‌شوند وجود ندارد. لذا به نظر می‌رسد این احتمال قابل قبول نباشد مخصوصاً با ملاحظه این امر که صحت در نزد قدماء با صحت نزد متأخرین دو معنای متفاوت دارد، صحیح عند القدماء یک معنی دارد و صحیح عند المتأخرین معنای دیگری دارد به این نحو که در نزد قدماء خبر کلاً بر دو قسم بود؛ خبر صحیح و خبر غیر صحیح ولی در

نزد متأخرین خبر بر چهار قسم است: صحیح، موثق، حسن و ضعیف. صحیح نزد قدماء عبارت است از روایتی که قرائن داخلی یا خارجی بر صدق آن وجود داشته باشد لکن در بین متأخرین صحیح، روایتی است که سند آن متصل به معصوم(ع) باشد و راوی در همه طبقات شخص امامی عادل باشد، پس صحیح در نزد متأخرین به این معنی است که راوی هم ثقة و هم امامی المذهب باشد ولی در صحیح قدمایی حتی به وثاقت راوی اهمیتی داده نمی‌شود، این اختلاف درباره اصطلاح صحیح بین قدماء و متأخرین وجود دارد و با توجه به این اختلاف اگر گفته شود منظور از ما یصح عنم در عبارت اجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم، خبر محفوف به یک قرینه قطعی اعم از داخلی یا خارجی می‌باشد، تغایر اصطلاح صحیح بین قدماء و متأخرین مسئله را در اینجا مشکل می‌کند لذا در مجموع به نظر می‌رسد احتمال دوم هم قابل قبول نیست.

بحث جلسه آینده: دو احتمال دیگر در مورد تعبیر اجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم وجود دارد که انشاء الله بعد از دهه عاشورا به ذکر و بررسی آن دو خواهیم پرداخت.

«والحمد لله رب العالمین»